



توضیح اجمالی:

به طور کلی اقتصاد کشور در سال‌های اخیر با چالش‌های زیر مرتبط با بازار ارز مواجه بوده است:

- صدور بخش‌نامه‌های متعدد ارزی (تغییرات پی در پی)؛
- فقدان مکانیزمی مؤثر برای تسویه کامل ارز حاصل از صادرات و سرریز بخش از آن به بازار غیررسمی؛
- انگیزه خروج سرمایه از کشور و فشار به بازار ارز؛
- تأمین ارز کالاهای قاچاق از بازار غیررسمی ارز؛
- طولانی شدن فرایند تأمین و تخصیص ارز و مسدودسازی ریالی آن در بانک عامل؛
- وجود کارت‌های بازرگانی یکبار مصرف و اجاره‌ای.

علاوه بر این باید اشاره کرد که در دوران بحران‌های شدید و جنگ‌ها، معمولاً نرخ ارز با نوسانات شدید مواجه می‌شود و جریان خروج سرمایه تشدید می‌یابد. در نتیجه، کشورها برای کنترل اوضاع اقتصادی، سیاست‌های ارزی خود را بازتعریف می‌کنند. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که در دوران جنگ و بحران‌های عمیق، کشورها به سمت کاهش انعطاف‌پذیری رژیم ارزی خود گرایش پیدا می‌کنند. به عنوان مثال، در جنگ روسیه و اوکراین، اوکراین که پیش از جنگ پس از سال‌ها به یک رژیم ارزی کاملاً انعطاف‌پذیر دست یافته بود، مجبور شد سیاست خود را تغییر دهد و به سمت تثبیت نرخ ارز حرکت کند. همچنین، ایجاد نرخ‌های ارز چندگانه و اعمال محدودیت بر خروج سرمایه، از دیگر ابزارهایی بود که این کشور به کار گرفت.

هرچند ایران از سال ۱۳۹۷ و پس از خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها، رژیم ارزی و سیاست‌های ارزی خود را بازتعریف نمود و نظام چندنرخ‌ی ارزی، اعمال ممنوعیت‌های وارداتی گسترده، الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات براساس ضوابط بانک مرکزی و سایر اقدامات را در پیش گرفت، اما به دلیل محدودیت منابع ارزی، نتوانست به تثبیت نسبی نرخ ارز در بازار دست یابد و شاهد افزایش حدود ۲۲ برابری نرخ ارز (از سال ۱۳۹۷ تا اوایل تیرماه ۱۴۰۴) بود. این تجربه پیش‌تر نیز در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ وجود داشت که طی آن نرخ ارز ۳.۵ برابر شد. در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ نیز خبر بازگشت ترامپ به قدرت در مدت کوتاهی نرخ ارز از ۸۰ هزار تومان به ۱۰۵ هزار تومان افزایش یافت و سپس با شروع مذاکرات رفع تحریم‌ها به کانال ۸۰ هزار تومان بازگشت.

تجربه دیگری از نوسانات ارزی، افزایش نرخ ارز در پی تهاجم رژیم صهیونیستی به ایران (شوک خارجی) بود که نرخ را از کانال ۸۳ هزار تومان به ۹۵ هزار تومان رساند و پس از برقراری آتش‌بس به سطح ۹۱ هزار تومان تعدیل یافت. اگرچه برخی تحلیلگران ثبات فعلی بازار ارز را نتیجه سیاست‌های بانک مرکزی می‌دانند، اما به نظر می‌رسد این ثبات بیشتر ناشی از نااطمینانی و ابهام وضعیت کشور در فرآیند توافق یا تداوم جنگ باشد که به طور موقت موجب کاهش انتظارات سفته‌بازان شده است. به محض مشخص شدن نتیجه نهایی مذاکرات، جهت‌گیری نرخ ارز نیز تعیین خواهد شد.

براین اساس باید برای این دوران گذار و بحرانی، اقدامات سیاستی مناسبی را تنظیم کرد که بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان کمترین آسیب را از این ناحیه متحمل شوند.





۱. از ۱۱۲ رشته فعالیت با کد ۴ رقمی تنها ۱۰ درصد صنایع، قیمت کمتر یا مساوی هزینه نهایی تعیین کرده‌اند و رفتاری رقابتی داشته‌اند. از جمله صنایع تولید ماشین‌آلات استخراج معدن و ساختمان؛ تولید سایر پمپ‌ها، کمپرسورها، شیرها و سوپاپ‌ها؛ تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد خاص؛ تولید مواد ساختمانی از خاک رس؛ تولید پوشاک، به جز پوشاک از پوست خردار؛ تولید نوشابه‌های بدون الکل، آب معدنی و سایر آب‌های پر شده در بطری؛ تولید قطعات و لوازم الحاقی وسایل نقلیه موتوری؛ تولید کالاهای نساجی آماده- به جز پوشاک؛ تولید کالاهای از بتن و سیمان و گچ؛ آماده‌سازی و ریسندگی الیاف نساجی؛ کشباف و قلاب‌بافی و ساخت کالاهای مصرفی الکترونیکی).

۲. جزئیات نتایج در نمودار که در محور افقی نام صنایع (رشته فعالیت) در سطح کدهای ۴ رقمی آیسیک و در محور عمودی اندازه برآوردی صرفه‌های ناشی از مقیاس و اندازه حاشیه سود بنگاه‌ها برای رشته فعالیت ۴ رقمی آیسیک آمده است. انطباق تقریبی دو نمودار دلالت بر آن دارد که هر چه صرفه‌های ناشی از مقیاس افزایش پیدا می‌کند حاشیه سود صنایع هم افزایش دارد. به عبارت دیگر در صنایع ایران صرفه‌های ناشی از مقیاس به بهای کاهش رقابت یا افزایش درجه انحصار و کاهش رفاه مصرف‌کننده است.

۳. کشورهای مختلف برای بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس و رقابت سیاست‌ها و اقدامات زیر را در دستور کار قرار داده‌اند:

- **ژاپن:** با ایجاد کنسرسیوم‌های صنعتی بزرگ (کایزن)؛
- **کره جنوبی:** با حمایت دولت از صنایع خاص، ایجاد خوشه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه؛
- **چین:** ایجاد مناطق اقتصادی ویژه؛
- **آلمان:** با تمرکز بر مهندسی و تولید محصولات با کیفیت بالا؛
- **فرانسه:** با حمایت از صنایع بزرگ و ایجاد خوشه‌های صنعتی؛
- **کشورهای اسکاندیناوی:** با تمرکز محیط زیست و اقتصاد دانش‌بنیان؛
- **ایالات متحده:** با حمایت از نوآوری و ایجاد شرکت‌های بزرگ چندملیتی؛
- **کانادا:** با تمرکز بر منابع طبیعی و صنایع مرتبط با آن.

نکات کلیدی:

ابزارهای سیاست‌های ارزی در دوران بحرانی و جنگ، با شرایط عادی متفاوت بوده و لزوم اتخاذ سیاست‌هایی است که ضمن کنترل جریان‌های ارزی، تأمین مصارف ارزی اولویت‌دار را تضمین نموده و ثبات نسبی در بازار ارز ایجاد نماید. با این وجود باید اشاره کرد این توصیه‌ها معمولاً برای دوران گذار است و باید بعد از گذار از این دوران، تعدیلات مورد نظر صورت بگیرد، به گونه‌ای که این تغییرات به عنوان یک چالش برای بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی باقی نماند. برای مثال بعد از عبور از شرایط بحرانی، سیستم چند نرخ می‌تواند مشکلات خاص خود را داشته باشد و در نتیجه تلاش در جهت یکسان‌سازی نرخ ارز و رفع موانع در این زمینه، یک توصیه جدی است؛ زیرا همان‌گونه که تجربه چند سال اخیر اقتصاد ایران نشان می‌دهد، نظام‌های چند نرخ می‌تواند فسادزا باشد و بعد از وقوع یک فساد در آن، تمام منافع احتمالی این سیاست در مقابل آن فساد، ناچیز خواهد بود.





در نتیجه سیاست‌های ارزی و گمرکی مرتبط با آن در دوران بحران‌های شدید به شرح زیر پیشنهاد می‌شوند:

- هماهنگی هرچه بیشتر بین دستگاه‌ها اجرائی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه و ... در جهت تأمین کالاهای اساسی و کالاهای سرمایه‌ای وارداتی مورد نیاز صنعت جهت جلوگیری از تلاطم در بازارها و دستیابی به شعار سال ۱۴۰۴ (سرمایه‌گذاری برای تولید):
- بازتعریف اولویت کالاهای وارداتی با توجه به شرایط جنگی؛
- اجرای سیستم سهمیه‌بندی ارزی متناسب با اولویت‌بندی کالاها و نوع ارز (ترجیحی، مرکز مبادله، در حاشیه بازار آزاد)؛
- اصلاح و بازنگری ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور تقویت همگرانی ارزی بانک مرکزی در مورد صادرکنندگان؛
- نظارت دقیق بر صرافی‌ها جهت محدودسازی انتقالات ارزی توسط آن‌ها به خارج از کشور؛
- ایجاد سازوکار مؤثر به منظور کنترل کم‌اظهاری کالاهای صادراتی و بیش‌اظهاری کالاهای وارداتی؛
- عدم اجازه ورود کالاهای فاقد ثبت سفارش و یا تخصیص ارز به اماکن گمرکی جهت کاهش فشار به منابع ارزی و رسوب کالاها؛
- اعمال محدودیت‌های مقداری و سهمیه‌بندی بر واردات کالاهای غیرضرور به منظور مدیریت هدفمند واردات (منابع ارزی)؛
- تسریع در ایجاد بازار تالار دوم مرکز مبادله ارز و طلا برای کالاهای صادراتی بخش خصوصی و واردات مصرفی نهایی از محل آن؛
- تقویت پیوند میان بنگاه‌های داخلی تولیدکننده مواد اولیه مورد نیاز بنگاه‌هایی تولیدکننده کالاهای نهایی (تاکنون آن‌ها را از خارج تأمین می‌کردند) از طریق اعطای اعتبار مالیاتی به بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای اولیه و از طرف دیگر اعمال تعرفه بر کالاهای واسطه‌ای وارداتی که جایگزین مناسب داخلی برای آن‌ها وجود دارد.

